

پلیس و پیشگیری از جرایم علیه اموال

چکیده

بزه‌کاری پدیده‌ای اجتماعی - انسانی است که همه جوامع بشری از دیرباز با آن روبه‌رو بوده‌اند. اهتمام جدی قانون‌گذار به پیشگیری از بزه‌کاری، در برخی اصول قانون اساسی و برخی قوانین عادی متجلی شده است.

در ارتباط با نیروی انتظامی، پیشگیری از وقوع جرم، هم الزامی قانونی و هم منطقی سازمانی است که طبق شق «د» بند ۸ و بند ۱۸ ماده چهار قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹/۰۴/۲۶ مجلس شورای اسلامی، به عنوان یکی از وظایف و مأموریت‌های عمده و اصلی نیروی انتظامی تلقی می‌شود. در همین راستا پلیس دو نوع پیشگیری (پیشگیری وضعی، پیشگیری اجتماعی) جهت مهار و کاهش نرخ بزه‌کاری انجام می‌دهد.

در حقوق کیفری ایران، مبنای جرم‌انگاری، ضرر و حکم شارع است. بنابراین پلیس در پیشگیری از جرایم، باید سیاست‌های پیشگیرانه متناسب با جرایم ناشی از این دو مبنا در پیش گیرد.

جرایم علیه اموال علاوه بر متزلزل کردن پایه‌های اقتصادی نظام اجتماعی موجب می‌شود که منابع عظیمی صرف پیشگیری از جرم، تعقیب و دستگیری مجرمین علیه اموال شود. خسارت واقعی این جرایم، نهایتاً به جامعه یا بخشی از آن وارد می‌شود.

نیروهای پلیس دارای تجربه طولانی و امکانات و تجهیزات کامل قانونی و آموزش‌های لازم برای مقابله با جرایم هستند، با این حال آنان برای برخورد موثر با شکل‌های روبه‌افزایش برخی جرایم مانند کش رفتن اموال، سرقت، کلاهبرداری و به طور کلی جرایم علیه اموال که وقوع آن‌ها باعث ایجاد ناامنی در جامعه می‌گردد و پلیس را متهم به غایب بودن از

صحنه یا ناتوانی می‌کنند، از طریق برنامه‌های پیشگیری از بزه‌کاری علاوه بر کاهش جرایم، درصد کاهش ترس از جرم و تعدیل احساس ناامنی شهروندان نیز می‌باشند.

هر چند که نگاه به پیشگیری در سیستم پلیس خالی از سابقه نیست، اما در سال‌های اخیر به دلایل متعدد، مداخله و پیشگیری پلیسی اهمیت فراوان تری پیدا کرده و با بهره‌گیری از تجربیات متعدد بین‌المللی و همچنین سرمایه فرهنگی و تاریخی کشورمان راهبردهای معینی را جهت پیشگیری از جرم و ناامنی و در نتیجه تأمین امنیت اتخاذ نموده است.

در این مقاله با یک تحقیق کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع، کتب و مقالات، نقش پلیس را در پیشگیری از جرایم علیه اموال (سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت) مورد بررسی قرار گرفته است، در نتیجه اینکه پلیس در پیشگیری و مهار برخی از این جرایم سیاست دوگانه (وضع‌ی، اجتماعی) اتخاذ می‌نماید.

واژگان کلیدی

(پلیس/police)، (پیشگیری/prevention)، (پیشگیری وضعی/Situation prevention)، (پیشگیری اجتماعی/ Social prevention)، (جرم/crime)، (جرایم علیه اموال/Crimes against property)، (مال/Property)

مقدمه و بیان مسئله

با افزایش نرخ بزه‌کاری در سراسر جهان حجم فراوانی از درآمد ملی کشورها صرف مبارزه با جرم و ساماندهی تلاش‌های گوناگون بین‌المللی، ملی و محلی برای مهار پدیده مجرمانه می‌شود. این تلاش‌ها زمانی به صورت پراکنده و موردی بوده و زمانی نیز به شکل سیاست‌هایی منسجم و پایدار هویدا شده است؛ گاهی شکل واکنش و سرکوب‌گری داشته و گاهی نیز به شکل پیشگیری و مقابله بوده است.

یکی از راهبردهای اساسی در حوزه کنترل اجتماعی، پیشگیری است. راهبردی عمدتاً متشکل از راهکارهای مستقیم و غیرمستقیم که با هدف ایجاد امکانات و موقعیت‌های

بازدارنده از جرم مطرح می‌شود. تجربه درازمدت نظام‌های جزایی حاکی از آن است که پیشگیری، کاهش قابل توجه را در نیروها و هزینه‌های مورد نیاز در کنترل اجتماعی در پی دارد. در برهه‌ای خود افراد در مقابل جرم واکنش نشان می‌دادند، بعدها این واکنش به واکنش جمعی تبدیل شد و با تشکیل دولت‌ها، این پاسخ‌دهی به حکومت سپرده شد. (تاج زمان، دانش، ۷: ۱۳۶۴)

هر یک از قوای حکومتی عهده‌دار ایفای نقش در سیاست جنایی هستند. این نقش بسته به نوع پاسخ به پدیده مجرمانه متنوع است. پلیس نیز به عنوان سازمان مسئول نظم و امنیت در جامعه، بسته به نوع پاسخ بدنه اجتماع به جرم و انحراف و بسته به نظام سیاسی و ساختار سازمانی خود، نقش‌های متنوعی را از خود بروز داده است.

پلیس به عنوان سازمان حافظ جان و مال و ناموس شهروندان، نقش‌های متعددی را در جامعه ایفا می‌کند که پیشگیری از جرم یکی از ترین آن‌ها محسوب می‌شود.

پیشگیری پلیسی بر پایه اقدامات پلیسی در جهت حمایت از شهروندان آسیب‌پذیر، افزایش آگاهی‌های عمومی، نظارت بر اماکن عمومی و افزایش هزینه‌های ارتکاب جرم مبتنی است. با وجود این، واژه پلیس در قوانین و مقررات و نیز در افکار عمومی به طور کلی با مفهوم سرکوبی جرم و مجازات همراه بوده است، اما از آغاز سال‌های دهه هفتاد میلادی با پذیرش نهاد پیشگیری به عنوان قلمرو جدید سیاست کیفری در کنار قلمرو سنتی آن یعنی سرکوبی، بینش نوینی از مأموریت پلیس در جامعه مطرح شد.

نکته‌ای که توجه خاص به جرایم علیه اموال را ایجاب می‌کند، کثرت وقوع آن‌ها است. سهولت در ارتکاب بسیاری از جرایم مالی در مقایسه با سایر جرایم و محسوس بودن منفعت حاصل از آن‌ها، مجرمین را که معمولاً افراد حسابگری بوده و قبل از ارتکاب جرم منافع و مضار ناشی از آن را با هم مقایسه می‌کنند، بیشتر به ارتکاب این نوع جرم ترغیب می‌کند.

تعرض به منافع مالی شخص را می‌توان به تهاجم به جسم او تشبیه کرد، چرا که در هر دو مورد، حریم وی مورد تجاوز قرار گرفته است. هزینه‌های گزافی که مردم برای حفاظت از اموال خود متحمل می‌شوند، مثلاً قفل کردن خانه‌ها، مغازه‌ها و غیره در واقع هزینه‌ای است که توسط مجرمین مالی به افراد جامعه تحمیل می‌شود (میر محمدصادقی، ۱۳۸۳: ۲۰).

خسارت واقعی جرایم علیه اموال نهایتاً به جامعه یا بخشی از آن وارد می‌شود. برای مثال هزینه‌های دزدی از مغازه‌ها، سرقت از اموال شرکت‌ها و کلاهبرداری‌های تجاری نهایتاً توسط مشتریان پرداخت می‌شود، به طوری که تخمین زده شده است اگر این‌گونه جرایم به وقوع نمی‌پیوستند اجناس مغازه‌ها چیزی تا حدود پنج درصد ارزان‌تر از نرخ‌های فعلی به مصرف‌کننده عرضه می‌شدند (همان).

مبانی نظری تحقیق

مفهوم پلیس

پلیس واژه‌ای فرانسوی است و معنای مختلفی را در بر می‌گیرد. معنی لغوی پلیس، نظم و انتظام بخشیدن است و در زبان حقوقی گذشته، به اوامر و دستوراتی که اهداف جامعه را تحقق می‌بخشیدند اطلاق می‌شد. در واقع مفهوم پلیس معادل سازمان و نظام کشوری تلقی می‌شد و در همین راستا نیز عبارت کشور انتظام یافته به کاربرده می‌شد (اداره حقوقی فرماندهی انتظامی استان سمنان، ۱۳۸۸: ۶). در فارسی هم به معنی نظم، انتظام، اداره شهربانی، پاسبان شهربانی و گاهی به معنای اداره شهربانی استعمال می‌شود (عمید، ۱۳۸۱: ۳۸۲).

با توجه به گستردگی مفهوم واژه پلیس، در کشورهای گوناگون تعاریف متنوعی از پلیس بیان شده است. ماکس وبر^۱ جامعه‌شناس مشهور آلمانی پلیس را جلوه قدرت مشروع و

^۱-Max Weber

عقلانیت ابزاری دیوانسالاری دولت برای استقرار نظم و امنیت در جامعه می‌داند (شاگری، ۱۳۸۱: ۲۳).

در جامعه امریکا، پلیس به عنوان سازمانی شناخته شده که به منظور برقراری نظم و امنیت، جلوگیری از وقوع جرم، کشف جرم، دستگیری مجرمین و اجرای مجازات ایجاد شده است (انصاری، ۱۳۸۰: ۲۰).

در ایران نیز واژه پلیس در مورد سازمان‌های شهربانی و ژاندارمری سابق استفاده شده و با ادغام سازمان‌های سابق و تشکیل نیروی انتظامی، این لفظ در مورد سازمان مذکور به کاربرده می‌شود. با توجه به تشکیلات جدید پلیس در ایران، تعریف زیر از پلیس قابل ارائه است: نیروی انتظامی سازمانی است مسلح که در تابعیت فرماندهی کل قوا و وابسته به وزارت کشور بوده و هدف از تشکیل آن استقرار نظم، امنیت و تامین آسایش عمومی، فردی و نگهبانی، پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در قلمرو کشور جمهوری اسلامی ایران است (این تعریف از مواد ۲ و ۳ قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹/۰۴/۲۶ اقتباس شده است). گرایان پنج ویژگی زیر را برای سازمان‌های پلیس و ما موران آن بیان کرده‌اند (همان ۲۴-۲۵):

- ۱- پلیس نماد تبلور نظام سیاسی هر کشور است.
- ۲- حضور پلیس نمایانگر اقتدار فراگیر حکومت در هر مکان و زمانی است.
- ۳- پلیس کارکردهای چندجانبه دارد و حتی خلاءهای قانونی را با قدرت ابتکار خود، پوشش امنیتی می‌دهد.
- ۴- پلیس در انجام وظایف خود از اختیار و استقلال برخوردار است.
- ۵- پلیس به طور انحصاری حق استفاده مشروع از قدرت را در اختیار دارد.

پروفسور فارالیک^۱ پلیس را چنین تعریف می‌نماید:

«پلیس عبارت است از یک سازمان دولتی که مأموریتش حمایت از قانون اساسی، پیشگیری از تخطی، تامین نظم عمومی و حفظ جان و مال اشخاص است».

پروفسور لوا سور^۲ در تشریح کلمه پلیس به سه مورد اشاره دارد که عبارتند از:

- ۱- مجموعه مقرراتی که به وسیله مقامات عمومی وضع و بر افراد جامعه تحمیل می‌شود.
- ۲- وضع و اجرای مقررات که هدف آنها تا مین آسایش، امنیت و بهداشت عمومی است.
- ۳- گروهی از کارکنان دولتی که مقررات مربوطه به آرامش، امنیت و بهداشت عمومی را که به وسیله مقامات صالح اتخاذ گردیده به مورد اجرا می‌گذارند (اداره حقوقی فرماندهی انتظامی استان سمنان، پیشین).

برخی در تعریف پلیس گفته‌اند: گروهی کارشناس و متخصص که توسط افراد اجتماع و خودشان کاملاً مشخص هستند، دارای مجموعه‌ای شناخته‌شده از فرهنگ، ارزش‌های عمومی، ابزارهای عمومی، ابزارهای ارتباطی، تکنیک‌ها و الگوهای رفتاری مناسب هستند که مجموعه آنها فرهنگ اختصاصی و حرفه‌ای را تشکیل می‌دهد. (شاکری، پیشین)

اقسام پلیس:

الف) پلیس اداری

در اصطلاح رایج، پلیس اداری عبارت است از اشخاص یا مأمورینی را که به جامعه نظم می‌بخشند و شامل نیروی انتظامی، شهردار، فرماندار و غیره می‌باشد. لیکن در اصطلاح حقوقی، پلیس اداری بیانگر فعالیت است که دولت به منظور حفظ نظم عمومی انجام می‌دهد و دارای دو مفهوم پلیس اداری عمومی و پلیس اداری اختصاصی است.

^۱-Faralyk

^۲-Lvasvr

پلیس اداری عمومی در برگیرنده مفاهیم امنیت عمومی، آسایش عمومی و بهداشت عمومی است. تأمین امنیت عمومی در واقع شامل اقداماتی است که دولت به منظور حفظ تمامیت ارضی کشور، حفظ منافع شخصی افراد و حتی پیشگیری از جرایم انجام می‌دهد. برقراری نظم عمومی بیشتر متوجه امور مادی و صوری جامعه است: دفع توطئه علیه دولت، جلوگیری از ارتکاب جرم و تخلفات و غیره، لیکن محدود به این امور نیست. لکه در برخی موارد، مقامات پلیس اداری اختیار دارند از اعمالی که منافی اخلاق حسنه اجتماعی است نیز جلوگیری به عمل آورند، مانند جلوگیری از انتشار عقاید و افکار انحرافی و بخش نوشته‌ها و مجلات ضاله و غیره (کردی، ۱۳۸۸: ۲۰).

پلیس اداری اختصاصی دارای دو مفهوم سنتی و جدید است. در مفهوم سنتی پلیس اختصاصی حکایت از مجموعه وظایف و فعالیت‌ها می‌کند که از نظر هدف با اهداف پلیس عمومی تفاوت ندارد، لیکن به دلیل تبعیت آن از یک نظام حقوقی خاص، از پلیس عمومی متمایز می‌شود. پلیس راهنمایی و رانندگی به عنوان مثال پلیس اختصاصی است که هدف آن برقراری نظم در رفت و آمد خودروها است. پلیس گمرک، پلیس اتباع بیگانه، پلیس راه‌آهن و غیره نیز همان اهداف سنتی نظم عمومی را دنبال می‌کنند. ولی مفهوم جدید پلیس اختصاصی متضمن فعالیت‌هایی است که نیاز به آن‌ها در دهه‌های اخیر حساس شده، مانند ایجاد پلیس زیبایی شهر، پلیس ساختمانی، پلیس حفظ آثار باستانی و ... (همان منبع: ۲۱)

ب) پلیس قضایی

وظایف این پلیس متعدد و در عین حال بسیار مهم است. از قبیل: تشکیل پرونده مقدماتی، بررسی گزارش‌های مامورین نیروی انتظامی در جرایم مشهود، بازجویی و تحقیق، معاینه محل و تحقیقات محلی، بازرسی و تفتیش، اجرای دستورات مقامات قضایی در خصوص

احضار و جلب، تکمیل تحقیقات، تشخیص مرجع برای ارسال پرونده قضایی و به طور کلی روند کشف، تعقیب و تسلیم مجرمین به دادگاه صلاحیت‌دار است.

روسای پلیس قضایی در ارتباط مستقیم با مقامات قضایی بوده و اقدامات قضایی خود را تحت نظارت و تعلیمات آنان به انجام می‌رسانند و باید دارای قابلیت‌های ویژه حقوقی و قضایی باشند. همانند لزوم تشخیص جرم و تفکیک رفتارهای غیر مجرمانه، توانایی در تشخیص مصادیق قالب هر یک از آن‌ها، آشنایی با حقوق اساسی متهم و شاکی و شهود و مطلعین، آشنایی به وظایف و اختیارات قانونی خود و مامورین زیرمجموعه، قدرت تشخیص مراجع قضایی صالح به انواع جرایم، توانایی و تسلط بر مسائل حقوقی و تسلط بر چگونگی انتقال یافته‌های حقوقی و قضایی خود به دیگران و بالاخره قدرت فهم عدالت ترمیمی و چگونگی به کار بستن آن (بارانی، ۱۳۸۵: ۳-۴).

مفهوم پیشگیری در امور پلیسی

واژه پیشگیری در فرهنگ لغت به معانی «جلوگیری کردن، مانع شدن، مانع سرایت شدن، و پیش‌بندی کردن آمده است» (معین، ۱۳۶۳: ۹۳۳).

منظور از پیشگیری از جرم، همه اقدامات و تدابیری است که پیش یا پس از وقوع جرم در جهت محور جرم و کاستن از میزان جرم و دشوار نمودن امکان وقوع جرم به کار می‌رود. پیشگیری یک مفهوم کلی است و به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که برای پیشگیری و جلوگیری از فعل و انفعالات زیان‌آور محتمل بر فرد و گروه به عمل می‌آید. مانند پیشگیری از حوادث کار، پیشگیری از بزه‌کاری جوانان و پیشگیری از تصادفات در جاده‌ها و... (گل محمدی خامنه، ۱۳۸۳: ۳).

آقای دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی در خصوص واژه پیشگیری می‌نویسد: «واژه پیشگیری امروزه در معانی جاری و متداول آن دارای دو بعد است. پیشگیری و جلوگیری

کردن هم به معنی پیش دستی کردن، پیشی گرفتن و به جلو چیزی رفتن، و هم به معنی آگاه کردن، خبر چیزی را دادن و هشدار دادن است، اما در جرم شناسی پیشگیرانه، پیشگیری در معنی اول آن مورد استفاده واقع می‌شود. یعنی کاربرد فنون مختلف به منظور جلوگیری از وقوع بزه‌کاری، هدف به جلوی جرم رفتن و پیشی گرفتن از بزه‌کاری است. اما از نظر علمی پیشگیری یک مفهوم منطقی و تجربی است که همزمان از تاملات عقلانی و مشاهدات تجربی تلقی می‌شود» (۱۳۷۹:۱۷).

منابع پیشگیری از جرم در قوانین ایران

الف) پیشگیری از جرم در قانون اساسی

قانون اساسی نخستین مجموعه قانونی است که در آن نوع حکومت و اصول حاکم بر قوای عمومی و رئوس وظایف و مسئولیت‌های اداره‌کنندگان و حقوق و وظایف افراد ملت و دیگر اصول را به صورت آرمانی تعیین می‌کند.

در بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی در خصوص پیشگیری از جرم آمده است: «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین».

قوه قضائیه چگونه این وظیفه خطیر پیشگیری از وقوع جرایم را به مرحله اجرا می‌گذارد؟ و آیا پیشگیری از وقوع جرم توسط قوه قضائیه شامل پیشگیری غیر کیفری اعم از پیشگیری وضعی یا اجتماعی است؟ و یا این که پیشگیری کیفری سنتی بعد از وقوع جرم و به منظور اصلاح مجرمین؟

لفظ عنوان پیشگیری از وقوع جرم در بند ۵ اصل ۱۵۶ به معنای پیشگیری غیر کیفری است و قوه قضائیه نمی‌تواند به تنهایی مجری آن باشد، به دلیل آنکه پیشگیری از وقوع جرم ماهیت و اشکال مختلفی دارد. و مقابله با آن به همکاری و کمک مراجع و نهادهای مختلف

دولتی و غیردولتی و همچنین تشکل‌های مردمی در سطح جامعه نیازمند است. و بدین منظور قوه قضائیه می‌تواند با سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی خاص مقدمات پیشگیری غیر کیفری را فراهم نماید.

ب) پیشگیری در قوانین عادی

قوانین عادی نیز یکی از منابع اصلی بر قاعده حقوقی و پدیده‌های کیفری است، که معمولاً زمینه اجرایی بر موضوعی مانند پیشگیری از جرم را مشخص و معین می‌کند. در بررسی مجموعه قوانین عادی قانون‌گذار امر پیشگیری را به عنوان وظیفه بعضی سازمان‌ها و مؤسسات دولتی و یا در آئین‌نامه‌های اجرایی معین و پیش‌بینی کرده است که به شرح ذیل عبارتند:

۱. ماده یک قانون تأسیس وزارت اطلاعات مصوب ۱۳۶۲/۰۵/۲۷
۲. ماده یک قانون راجع به تعیین وظایف و تشکیلات شورای امنیت کشور مصوب ۱۳۶۲/۰۶/۰۸
۳. بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۶۹/۰۴/۲۶
۴. ماده یک قانون اقدام‌های تأمینی مصوب اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۳۹
۵. ماده ۳۳ قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر و پیوستن موادی با آن مصوب ۱۳۶۸/۰۸/۰۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام.

انواع پیشگیری از جرم

دانشمندان حوزه‌های علوم اجتماعی و جرم‌شناسی، پیشگیری از جرم را به انواع مختلفی تقسیم کرده‌اند. ولی با وجود اختلاف نظرها، در تقسیم‌بندی پیشگیری از جرم‌ها به کیفری و غیر کیفری اتفاق نظر دارند (گل محمدی خامنه، پیشین: ۴).

الف) پیشگیری کیفری (رسمی، دولتی)

این نوع پیشگیری با تکیه بر اثرهای اعمال کیفر، اجرای سریع و حتمی آن سعی می‌نماید بر افکار عمومی جامعه تأثیر گذارد تا از ارتکاب جرم‌ها پیشگیری گردد. این نوع پیشگیری در کاهش نرخ جرم‌ها چندان موفق نبوده است.

پیشگیری کیفری به دو شاخه عام و خاص تقسیم می‌شود:

پیشگیری عام

محور این نوع پیشگیری، بر نقش بازدارندگی مجازات‌ها، ایجاد ترس و وحشت و عبرت‌آموزی کیفری بر عموم مردم استوار است. پیشگیری عام، جرم مدار است و در این نوع پیشگیری از طریق وضع قوانین، تعیین کیفر و اجرای آن بر مجرم تلاش می‌شود تا از ارتکاب اولیه جرم‌ها توسط افراد جامعه پیشگیری گردد.

پیشگیری خاص

هدف اصلی این نوع پیشگیری، اصلاح مجرم‌ها و جلوگیری از تکرار جرم است و مجموعه اقدام‌هایی است که در راستای بازپروری و اصلاح مجرمین انجام می‌گیرد تا از تکرار جرم جلوگیری گردد. این نوع پیشگیری بر خلاف پیشگیری عام، مجرم مدار است. در این پیشگیری سعی می‌شود تا با فردی کردن قانون، اجرای محکومیت‌های گرفتن آزادی و مراقبت و کمک کردن به زندانیان از تکرار جرم زندانیان مرخص شده پیشگیری نمایند.

(همان، ص ۴)

ب) پیش‌گیری غیر کیفری

پیشگیری کیفری (رسمی، دولتی) اثرات محدودتری در پیشگیری از جرم‌ها داشته است، لذا جرم‌شناسان و صاحب‌نظران برای پیشگیری از جرم‌ها فعالیت‌های خود را بر منابع غیررسمی و غیر کیفری متمرکز نموده‌اند.

از اوایل سال ۱۹۸۰ دانشمندان و افراد حرفه‌ای زیادی در این رابطه بحث کرده‌اند که سیستم قضایی به تنهایی نمی‌تواند مشکل جرم را حل نماید. لذا به کمکی خارج از دیوارهای این بروکراسی و به طرز فکر جدیدی در مورد کنترل جرم و پیشگیری از آن نیازمندیم. بر اساس چنین عقایدی پیشگیری غیر کیفری تحت عنوان پیشگیری‌های جدید پایه‌ریزی گردید. (دنيس^۱، ۱۳۸۱: ۴-۵)

پیشگیری غیر کیفری هم به دو شاخه اجتماعی و وضعی تقسیم می‌شود:

الف) پیشگیری اجتماعی

پیشگیری اجتماعی از بزه‌کاری شامل مجموعه اقدام‌های پیش گیرنده است که به دنبال حذف یا خنثی کردن آن دسته از عواملی است که در تکوین جرم موثر بوده‌اند (نجفی ابرند آبادی، پیشین: ۱۹).

در پیشگیری اجتماعی سعی می‌شود بر شخصیت افراد جامعه از طریق نهادهای اجتماعی تأثیر گذاشته شود تا افراد جامعه طوری تربیت شوند که از ارتکاب هر نوع جرمی اجتناب کنند. در این نوع پیشگیری تمرکز بر سالم‌سازی محیط اجتماعی است. پیشگیری اجتماعی از جرم بیشتر تمرکز خود را بر روی برنامه‌ها و سیاست‌های تکاملی دارد و سعی در بهبود وضعیت بهداشت زندگی خانوادگی، آموزش و مسکن، فرصت‌های شغلی و فعالیت‌های محلی مجرمین بالقوه دارد. به علاوه با درک از ارزشمندی کشف زودهنگام و مداخله بیشتر، برنامه‌های پیشگیری از جرم‌ها، روی جوانان متمرکز شده و افراد محله‌ها و خانواده‌هایی را مدنظر قرار می‌دهد که بیشتر در معرض خطر قرار دارند (دنيس، پیشین: ۱۹۹-۲۰۰).

به طور کلی می‌توان گفت پیشگیری اجتماعی بر تغییر شرایط اجتماعی جرم‌زا و کاهش انگیزه‌های مجرم‌ها متمرکز است.

^۱-Dennis

ب) پیشگیری وضعی از جرم

در پیشگیری وضعی با حمایت از آماج‌های جرم، بزه دیدگان بالقوه و اعمال تدابیر فنی درصد جلوگیری از بزه دیدگی افراد و آماج‌ها در برابر بزه‌کاران هستند که در نهایت و به طور مستقیم کاهش بزه‌کاری نتیجه آن خواهد بود (نجفی ابراندآبادی، پیشین).

پیشگیری وضعی ریشه در بزه دیده شناسی دارد و در بزه دیده شناسی نقش بزه دیده در وقوع جرم مورد مطالعه قرار می‌گیرد. لذا برای جلوگیری از قربانی شدن افراد جامعه از روش‌های پیشگیری وضعی استفاده می‌نمایند. مجرم با بهره‌برداری از فرصت‌ها و شرایطی که در رفتارهای قربانیان جرم خلل ایجاد می‌کند، بهره‌برداری کرده و به اندیشه ارتکاب جرم می‌افتند (گل محمدی خامنه، پیشین: ۵).

هدف پیشگیری وضعی تأثیرگذاری بر وضعیت شرایط قبل از ارتکاب جرم، وضعیت پیش‌جنایی، آستانه ارتکاب جرم و حین ارتکاب جرم است و سعی می‌گردد با افزایش خطر شناسایی و احتمال دستگیری بزه‌کاران بر محیط و شرایط وقوع جرم تسلط یابند. برنامه پیشگیری وضعی به طور عمده بر کاهش فرصت‌های انجام جرم مثل: استقرار تکنولوژی‌های مراقبتی مراقبت شدید در اماکن عمومی و مناطق تجاری و همچنین کاهش موقعیت‌های مناسب وقوع جرایم و قربانی شدن افراد جامعه متمرکز است (همان).

ژرژ پیکا^۱ پیشگیری وضعی را این‌گونه توصیف می‌کند: «پیشگیری وضعی عبارتست از اقدام به محدود کردن فرصت‌های ارتکاب جرم یا مشکل‌تر کردن تحقق این فرصت‌ها برای مجرمین بالقوه» (پیکا، ۴۲: ۱۳۷۶).

مراحل پیشگیری از منظر جرم‌شناسی

¹-George Pica

گل محمدی خامنه در جرم‌شناسی مراحل پیشگیری را به سه مرحله تقسیم می‌کند:

۱- پیشگیری اولیه (ابتدای، نخستین)

مجموعه اقدامات، سیاست‌ها و برنامه‌های است که سعی در کنترل شرایط جرم‌زای محیط فیزیکی و اجتماعی دارد تا با بهبود بخشیدن به شرایط زندگی اجتماعی از ارتکاب هر نوع جرم توسط آحاد جامعه پیشگیری شود. در این مرحله تلاش‌ها بر این است که افراد جامعه به سوی ارتکاب جرم گرایش پیدا نکنند.

۲- پیشگیری ثانویه (سطح دوم کاهش عوامل خطر زا)

در این مرحله تلاش‌های پیشگیرانه بر کنترل افراد خاصی که در معرض خطر بزه‌کاری قرار دارند، متمرکز است. ه طور مثال در پیشگیری از اعتیاد تلاش پیشگیرانه بر افرادی متمرکز است که به صورت تفننی یا تفریحی مبادرت به مصرف مواد مخدر می‌نمایند ولی هنوز به درجه اعتیاد و حاد نرسیده‌اند. در حقیقت در این مرحله هدف پیشگیری از سوءمصرف مواد مخدر است. یا در کنترل بزه‌کاری اطفال و نوجوانان اقدامات پیشگیرانه بر اطفال و نوجوانانی متمرکز است که بنا به دلایلی از قبیل داشتن والدین معتاد و یا اشتغال به کارهایی مثل شیشه پاک‌کنی اتومبیل، تکدی‌گری و... در معرض خطر بزه‌کاری هستند و امکان ارتکاب جرم از جانب آن‌ها به لحاظ شرایط خاص حاکم بر آن‌ها بیشتر است.

۳- پیشگیری ثالث (سطح سوم کنترل موقعیت خطر)

در این مرحله اقدامات پیشگیرانه برای جلوگیری از تکرار جرم و بازسازی مجرمان متمرکز است. هدف اصلی این نوع پیشگیری اصلاح رفتارهای مجرمانه و ایجاد سازگاری بین مجرمان و محیط اجتماعی است تا از گرایش مجدد آن‌ها برای ارتکاب جرم پیشگیری گردد. در مرحله اجرا نیز برنامه‌های پیشگیری از جرم باید در سه سطح انجام گیرد:

۱- سطح فردی: یعنی انجام هر آنچه که هر شخص حقیقی یا حقوقی باید با رعایت آن‌ها موقعیت ارتکاب جرم از سوی مجرمان بالقوه را تقلیل دهد.

۲- سطح جمعی: یعنی هر آنچه که اهالی یک محله، کسبه و... ملزم به رعایت آن هستند.

۳- سطح ملی: یعنی هر آنچه بخش‌های دولتی مانند بخش‌داری‌ها، شهرداری‌ها، فرمانداری‌ها، استان‌داری‌ها، وزارتخانه‌ها باید در محدوده وظایف خود نسبت به آن اقدام کنند. بدین ترتیب پیشگیری در واقع بخشی از وظیفه همه نهادهای دولتی می‌باشد (جاوید زاده، ۳: ۱۳۷۷).

رویکردهای پلیس در زمینه پیشگیری از جرم

۱- رویکرد کاهش بازار جرم

رویکرد کاهش بازار در پیشگیری از جرم بر کاهش بازار اموال مسروقه از طریق پیشگیری از عرضه و تقاضا برای اموال مسروقه تمرکز می‌کند. این رویکرد بر این منطق استوار است که بدون وجود یک بازار فعال، آب کردن اموال مسروقه برای بزه‌کار دشوار، خطرناک و بی‌فایده می‌شود.^۱

رویکرد کاهش بازار جرم، چهار راهبرد زیر را شامل می‌شود:

الف) شناسایی محصولات داغ

شناسایی محصولاتی که بیش‌ترین جذابیت را برای بزه‌کاران دارند، جامعه را قادر به انتخاب در باره خرید کالای امن می‌سازد. همچنین دانستن اینکه چه محصولاتی داغ است،

^۱- Crime Prevention Fact Sheet D, 2007, p1

پلیس را قادر به شناسایی بازارهای خرید و فروش آنها، موقعیت بالقوه بازارهای مذکور و اینکه چه کسانی به خرید و فروش اموال در یک بازار اقدام می‌کنند، خواهد کرد.

ب) سخت کردن هدف

کم ارزش تر کردن یک محصول و آسان تر کردن دستیابی به آن، موجب کاهش مطلوبیت محصول مذکور برای خریداران بالقوه خواهد شد. سخت تر کردن هدف می‌تواند راهبردهایی مانند راهبردهای زیر را شامل شود:

نشانه‌گذاری اموال توسط صاحبان آنها یا کارخانه‌ها، طراحی محصولات با ویژگی‌های خاص امنیتی، استفاده از هشداردهنده‌ها، قفل‌ها و سایر تجهیزات حفاظتی که از استفاده مجدد اموال مذکور جلوگیری می‌کند.

ج) مبارزه با خرید و فروش اموال مسروقه

اغلب معلوم است که اموال مسروقه سرانجام سر از کجا در می‌آورند. با این حال تحقیقات، نقش نرده‌کشی مناطق تجاری یا مسکونی، بازارهای مکاره، خرید و فروشندگان مواد مخدر و کل جامعه را در ارائه مسیری برای آب کردن اموال مسروقه و حمایت در برابر پلیس، روشن کرده است.

راهبردهایی مانند قاعده‌مند کردن و صدور مجوز برای خرید و فروش اموال دست دوم، تصویب مقررات مرتبط با خرید و فروش اموال مسروقه و مطلع ساختن خریداران از پیامدهای خرید چنین اموالی برای تغییر سطح تقاضا اهمیت دارد.

د) برنامه‌های آموزش عمومی

اعمال رویکرد کاهش بازار به پیشگیری از جرم می‌تواند در درازمدت با ایجاد درک بالاتر در میان جامعه در باره نقش مردم در تسهیل جرم، کمک کند. خرید و فروش اموال مسروقه یا بی‌توجهی به خطر می‌تواند محرک جرم شود، اطمینان خاطر بزه‌کار را بالابرد و به رنج و

ترس تجربه شده توسط بزه دیده بی افزایش. یک برنامه آموزش عمومی می تواند کسانی را که به رفتار مخاطره آمیز توجهی ندارند، را تشویق به مطلع شدن در باره نتایج خرید و فروش آگاهانه اموال مسروقه نموده و به عنوان یک عامل بازدارنده عمل کند (همان).

۲- رویکرد جامعه محوری

رویکرد پلیس جامعه محور با سه جزء اصلی به شرح زیر، تعریف شده است:

۱- دخالت دادن جامعه

پلیس جامعه محور در یک بخش به عنوان تلاش هایی تعریف شده است که برای گسترش مشارکت بین اعضای جامعه و سازمان های مدنی صورت می گیرد. پلیس جامعه محور باید در زمان تعیین اولویت ها و انتخاب تاکتیک های خود جامعه را دخالت دهد.

۲- مسئله محوری

پلیس جامعه محور همچنین شامل تغییر از گشت ها و تحقیقات واکنشی به رویکرد مسئله محور است. به طور مختصر، پلیس مسئله محور رویکردی برای تهیه راهبردهای کاهش جرم است. لیس مسئله محور برجسته کردن اهمیت کشف وضعیت هایی است که موجب تماس شهروندان برای کمک از پلیس می شوند، یعنی شناسایی عللی که در پشت این وقایع وجود دارد و طراحی تاکتیک هایی برای برخورد با این علل و عوامل.

۳- تمرکززدایی

تمرکززدایی یک راهبرد سازمانی است که ارتباط نزدیکی با اجرای پلیس جامعه محور دارد (بر اجر^۱، ۱۷:۲۰۰۷).

پیشرفت های ناشی از جهانی شدن، شهرنشینی و فن آوری هم فرصت ها و هم چالش ها را برای همه افراد مسئول پیشگیری از جرم افزایش داده است، به خصوص برای ما موران

¹- Brodeur

پلیس در واقع هم دوره فرصت و هم دوره تهدید برای دولت‌ها، ادارات پلیس و مجریان امور است. همان‌گونه که شکل‌های جدید مشارکت برای پیشگیری از جرم ظاهر می‌شوند. به عنوان مثال مشارکت‌های بین نهادی، مشارکت بخش عمومی و بخش خصوصی و غیره، فن‌آوری‌های جدید به کار گرفته می‌شوند. (نقشه جرم، پراکندگی جغرافیایی جرم و غیره) و برنامه‌های گوناگون پیشگیری از جرم طراحی و اجرا می‌شوند مانند: پلیس محله، برنامه‌های فراگیر اجتماعی و غیره (کاپوبیانکو^۱، ۲۰۰۷: ۴).

برخی از نقش‌هایی که پلیس می‌تواند در مشارکت‌های پیشگیری از جرم ایفا کند، عبارتند از: حضور مشهود در جامعه، انسجام بیشتر با جامعه، ارائه اطلاعات به جامعه، کمک به میانجی‌گری و حل مناقشه‌ها، حمایت از بزه دیدگان، ایفای نقش به عنوان مربی و الگو، و شرکت در مشارکت‌های محلی پیشگیری از جرم.

۳- رویکرد حل مسئله

رویکرد حل مسئله در پیشگیری از جرم می‌تواند به عنوان یک رویکرد سیستمی به پیشگیری از جرم تعریف شود که شامل شناسایی و تحلیل جرم بالفعل یا بالقوه گردیده و منجر به اجرای تدابیری به منظور کاهش یا پیشگیری از جرم شود.

اعمال رویکرد حل مسئله در مورد یک جرم نخست با شناسایی جرم بالقوه یا بالفعل آغاز می‌شود. این شناسایی بر اساس گردآوری اطلاعات مختلف در مورد آمار جرم، اطلاعات وقایع‌نگاری و جزئیات ارائه‌شده توسط نهادهای ذی‌ربط محلی، ادارات و اعضای جامعه صورت می‌گیرد. سپس این اطلاعات برای درک بهتر مسائل مرتبط با جرم و شناسایی راهبردهای مناسب مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. پس از اجرای این راهبردها، که

¹- Capobianco

همچنین شامل یک مرحله نظارت می‌شود، یک ارزیابی برای تصمیم‌گیری در مورد میزان تأثیر راهبردهای اجرا شده بر جرم و تعدیل راهبردها مورد نیاز است.¹

حل مسأله محدود به مسائل محلی و پروژه‌های کوچک نمی‌شود. انواع خاصی از جرم به عنوان مثال: شکستن حرز و ورود به منزل یا سرقت وسایل نقلیه و گروه‌های خاص مانند: قربانیان خشونت‌های خانوادگی می‌توانند با استفاده از رویکرد حل مسأله مورد هدف قرار گیرند. با جمع‌آوری، تحلیل و تفسیر اطلاعات مرتبط و قابل‌اعتماد مربوط به جرم، راهبردهای مناسب پیشگیری قابل‌اعمال خواهند بود.

راهبرد حل مسأله در بر دارنده مراحل زیر است: (بر اجر، پیشین: ۱۷)

۱- کسب آمار خاص محلی جرم و اطلاعات مرتبط با آن، از جمله اطلاعات وقایع‌نگاری؛

۲- تحلیل اطلاعات و تفسیر آن؛

۳- تعیین جایگاه اولویت‌ها در مسائل جرم، جمع‌آوری اطلاعات تکمیلی و شناسایی منابع قابل حصول و راه‌های ممکن برای مداخله؛

۴- پیشنهاد راهبردهای ترکیبی پیشگیری برای هر مسأله جرم؛

۵- اجرای راهبرد،

۶- نظارت و ارزیابی

پلیس مسئله محور سه اصل کلی را در بر می‌گیرد. اولین اصل که کاربردی است حاکی از آن است که جامعه پلیس را وادار می‌کند که با طیف وسیعی از مسائل سر و کار داشته باشد. اصل دوم که یک اصل هنجاری است، ادعا می‌کند که از پلیس انتظار می‌رود به جای آنکه به نحو ساده‌ای به حوادث واکنش نشان داده و اعمال قانون کند، مسائل را کاهش دهد. اصل سوم که یک اصل علمی است، بیانگر آن است که پلیس باید رویکردی علمی به

¹- Crime Prevention Fact Sheet C, 2007,p1

مسائل داشته باشد. پلیس باید رویکردهای تحلیلی تهیه، و مداخلاتش مبتنی بر نظریه‌های قابل قبول و مستندات باشد درست مانند تصمیم پزشکان که توقع می رود مبتنی بر علم پزشکی باشد(همان).

۴- رویکرد پلیسی شخص ثالث^۱

رویکرد پلیسی شخص ثالث به عنوان تلاش‌های پلیس برای ترغیب یا اجبار سازمان‌ها یا اشخاص غیر بزه‌کار، مانند ادارات مسکن عمومی، صاحبان اموال، والدین، بازرسان بهداشت و شهرسازی و صاحبان تجارت برای قبول مسئولیت در پیشگیری از جرم یا کاهش مسائل جرم، تعریف شده است (براجر، پیشین:۱۸).

۵- رویکرد پلیس فن‌آوری

امروزه، پلیس فن‌آوری بیشتر با مشهودترین عناصر خود شناخته شده است. این عناصر شامل موارد زیر است: به‌روزآوری اطلاعات رایانه‌ای در مورد جرم، تحلیل جرم، و تهیه نقش پیشرفته جرم به عنوان مبنایی برای نشست‌های راهبردی تعاملی، که مدیران را در مورد راهبردها و راه‌حل‌های خاص جرم در مناطق تحت مدیریتشان پاسخگو نگه می‌دارد. اما، فن‌آوری، محصول بسیار پیچیده‌ای از تحولات مدیریتی و ترتیبات سازمانی شامل: فشردگی سازمان، تمرکز زدایی، اختیارات بیشتر برای کارکنان، صلاح‌دید و خودمختاری، پاسخگویی مدیریت محلی و افزایش مسئله محوری می‌باشد. فن‌آوری پلیسی نمی‌تواند موجود کاملاً قابل حیاتی باشد، در صورتی که فعالیت‌های اجرایی، مدیریتی و عملیاتی فوق قبل از آن وجود نداشته باشد(همان،۱۹)

۶- رویکرد پلیس مبتنی بر اطلاعات

الگوی ملی اطلاعات، تصویری را ارائه می‌دهد که راهبردی مؤثر، نه تنها در مورد جرم و مجرمین بلکه برای تمام نیازهای ضابطین از جرایم سازمان‌یافته تا امنیت جاده را ارائه می‌دهد. این اطلاعات در رابطه با مسائل جدید یا بروز یافته در داخل یک سازمان پلیس یا یک بخش مستقل قابل استفاده می‌باشد؛ برای ارائه تمرکز راهبردی یا عملیاتی نیرو، برنامه-ریزی مالی سازمان یا پلیس محل، این کار نتیجه اشتیاق به سرو سامان دادن به اطلاعات در درون سازمان نیروی پلیس است. این الگو همچنین به رسمیت شناختن الزامات تحول مدیران پلیس است که سه نیاز خاص را بارز می‌سازد: برنامه‌ریزی و کار با همکاری سایر شرکاء برای تأمین امنیت اجتماعی، مدیریت اجرا و خطر، پاسخگو بودن در برابر بودجه. الگوی ملی اطلاعات یک سیستم توسعه‌یافته و یک پایه برای مدیریت عملیات پلیس در انگلستان و ولز است. از نظر تاریخی بسیاری از شیوه‌های پلیسی بر اثر نیاز به پاسخ به تماس‌های مردمی به پیش برده شده‌اند. الگوی اطلاعات ملی، الگوهای جرم را مشخص و پلیس را قادر به اتخاذ رویکرد اساسی برای حل مسئله می‌کند. که در این صورت، منابع می‌تواند به طور اثربخش در برابر شناخت دقیق از جرم و وقایع مجرمانه بکار گرفته شود. الگوی ملی اطلاعات یک رویکرد مبتنی بر همکاری را به انجام امور پلیسی می‌دهد و بسیاری از راه‌حل‌های مسائل مشارکت سایر سازمان‌ها و اعضا را الزامی می‌سازد. در صورتی که مقارن با سایر سازمان‌های شریک مورد استفاده قرار گیرد، پلیس بیشتر تقویت می‌شود. به عنوان نمونه، فرایند انجام عملیات مشترک و همکاری، و هنگامی که پلیس از اطلاعات اجتماعی برای ارزیابی راهبردی استفاده می‌کند (همان: ۲۰-۲۱).

¹ - Third Party Policing

جرایم علیه اموال

امروزه مفهوم (مالکیت شخصی) یکی از پایه‌های بنیادین بسیاری از جوامع را تشکیل می‌دهد و لازمه آزادی مدنی اشخاص شمرده می‌شود. تردیدی وجود ندارد که مفهوم مال و مالکیت از تأسیسات اصلی جامعه و حمایت از آن از اهداف مهم دولت به شمار می‌رود. بنابراین همان طور که افراد جامعه از حمایت فیزیکی برخوردار هستند و باید بتوانند مثلاً در مورد شغل یا محل اقامت خود آزادانه تصمیم بگیرند، حقوق و منافع مالی آنان نیز مورد حمایت قانون‌گذار قرار گرفته و از تعرض مصون بماند بعلاوه جامعه نیز از ارتکاب جرایم مالی زیان می‌بیند (معاونت آموزش قوه قضائیه، ۱۳: ۱۳۸۴).

مهم‌ترین جرایم علیه اموال را می‌توان جرایم زیر مفروض دانست:

۱. سرقت

۲. کلاه‌برداری

۳. خیانت در امانت

سرقت

یکی از ترین جرایم علیه اموال که معمولاً مجازات‌های سختی هم برای مرتکبین آن در جوامع مختلف پیش‌بینی شده است جرم سرقت می‌باشد. این جرم به دلیل سهل‌تر بودن ارتکاب آن در مقایسه با جرایمی مثل کلاه‌برداری و همچنین محسوس بودن منفعت حاصله از آن در مقایسه با جرایم علیه اشخاص بخش بزرگی از جرایم ارتكابی در کشورهای مختلف را تشکیل می‌دهد به همین جهت توجه ویژه علماء حقوق را به خود معطوف داشته است.

سرقت کلمه‌ای عربی است و به معنای پنهان می‌باشد. «استَرَقَه جَاءَ الی حِرْزٍ فَأَخَذَ لَغِيرَه» به طور پنهانی آمده و وارد حرز شده و سپس مال دیگری را ربوده است. کلمه «السرقه» اسم مصدر است و به معنای ربایش می‌باشد. «سَرَقَ سَرَقاً مِنْهُ الشَّيْءُ أَيْ أَخَذَ مِنْهُ بُخْضِيَهٍ وَ حَيْلَه» شیئی را به طور پنهانی و حيله‌گری از او ربود (لویس، ۱۳۶۴:۳۳۱).

واژه سرقت در کتاب‌های لغت به معنای گرفتن شیء در پنهان است و در معنای آن مفهوم خفا و پنهان اخذ شده است (زکریا، ۱۴۰۴ ه.ق). از این رو به طور کلی یکی از معانی آن پوشیده و مخفی شدن است و «سرق» به معنای «خفی» آمده است استراق سمع یعنی مخفیانه گوش دادن (فیروزآبادی، ۱۴۰۷ ه.ق).

قانون‌گذار در «ماده ۲۶۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱» در بیان تعریف سرقت اشعار می‌دارد که: «سرقت عبارت از ربودن مال متعلق به غیر است».

فرهنگ معین در تعریف سرقت آورده است: «سرقت از نظر لغوی کلمه‌ای است عربی که در زبان فارسی به معنی دزدیده، دزدی کردن یا بردن مال دیگری معنا شده است» (معین، ۱۳۶۳:۱۸۶۹).

با توجه به مطالب فوق به دست می‌آید که سرقت از دیدگاه اهل لغت، دارای چهار رکن است:

۱- برداشتن شیء ۲- از آن دیگری بودن ۳- پنهانی بودن ۴- منقول بودن.

گلدوزیان در تعریف سرقت گفته است: «ربودن خدعه آمیز مال غیر، برداشتن چیزی از دیگران بدون اطلاع و رضایت او، گرفتن و بردن چیزی از دیگری بدون اطلاع و رضایت او، گرفتن و بردن پول کسی به زور با مکر و فریب، ربودن متقلبانه شیء متعلق به دیگری» (۱۳۷۳:۲۹۳).

پیشگیری از سرقت

پیشگیری ترین روش مقابله با جرم‌ها و به خصوص سرقت می‌باشد. روش اصلی و عقلایی در پیشگیری از سرقت، شناسایی علل و عوامل سرقت می‌باشد تا چاره‌جویی اساسی شود. به طور معمول در وقوع جرم‌ها عوامل و علل متعددی دخالت دارد و نمی‌توان یک عامل را در بروز نوعی جرم مطلق دانست (گل محمدی خامنه، پیشین: ۲۲).

صاحب‌نظران علل و عوامل جرم سرقت را به عوامل بیرونی و درونی تقسیم نموده‌اند:

الف- عوامل بیرونی جرم سرقت

عواملی هستند که خارج از ابعاد فردی (شخصیت، ژنتیک و ...) می‌باشند و می‌توان عوامل محیطی، خانوادگی، آموزشی، اقتصادی، فرهنگی و... یا وقوع حوادث ناگهانی مثل، جنگ، زلزله و... را از عوامل بیرونی مثال آورد.

ب- عوامل درونی

به طور کلی مربوط به رفتارهای فردی است. مثل: حالات روحی و روانی، پرخاشگری، کینه و مهرورزی که در فرد شرایط ایجاد می‌کند که به ارتکاب جرم و سرقت گرایش پیدا می‌کند (همان).

به طور کلی جهت پیشگیری از سرقت از اقدامات پیشگیری وضعی به شرح زیر استفاده می‌شود:

الف- دشوار ساختن ارتکاب سرقت

اولین اقدام پلیس شناسایی محل‌های سرقت می‌باشد که مورد نظر سارقین است. لذا باید محدوده استحفاظی از لحاظ تجاری، اقتصادی، بازار جواهرفروشی‌ها، صرافی‌ها و... شناسایی شود. لازم است این نقاط پس از تهیه نقشه وضعیت و تعیین نقاط آسیب‌پذیر از لحاظ سرقت توسط پلیس تحت حمایت قرار گیرد. این حمایت‌ها می‌تواند فنی و یا غیر فنی باشد.

در بسیاری از موارد بزه دیده‌گان در وقوع سرقت خود مقصرند. به طور مثال بزه دیده رفتاری از خود نشان می‌دهد که منزلش مورد سرقت واقع می‌شود. (مانند: قفل نکردن و باز گذاشتن درب منزل). لذا پلیس باید به مردم آموزش دهد که چگونه از رفتارهایی که موجب سرقت می‌شود اجتناب کنند و خطرهایی که در خصوص سرقت آن‌ها را تهدید می‌کند، بشناسند و با آن‌ها مبارزه کنند (همان: ۲۴).

ب- افزایش خطر ارتکاب سرقت

به طور معمول در تمام دنیا افزایش خطر ارتکاب سرقت با گسترده کردن مراقبت‌ها (رسمی «پلیسی»، غیررسمی، طبیعی) عملی می‌گردد.

۱- مراقبت‌های رسمی (پلیسی):

این نوع مراقبت‌ها با اجرای عملیات‌های پلیسی مثل گشت‌زنی، ایست و بازرسی و... انجام می‌گیرد.

۲- مراقبت‌های غیررسمی:

پلیس در جهان امروزی به لحاظ شرایط حاکم قادر نیست به تنهایی و بدون کمک مردم از سرقت و سایر جرم‌ها پیشگیری نماید. لذا در راستای این همکاری مراقبت‌های غیررسمی مثل بهره‌گیری از نگهبان خصوصی، شبگردان، شرکت‌های خصوصی و... گسترش یافته است. نقش پلیس در این مراقبت‌ها بسیار مهم است و لازم است که پلیس نقش راهبردی خود را (نظارت و کنترل غیرمستقیم بر فعالیت آنان) در این نوع مراقبت‌ها حفظ کند (همان).

کلاهبرداری

کلاهبرداری به مفهوم «بردن مال غیر با توسل به حيله و نیرنگ» از مهمت رین جرایم علیه اموال و مالکیت است. علی‌رغم این که جرایم علیه اموال در خصوصیت «بردن مال دیگری به

عنوان نتیجه جرم مشترک هستند، اما چگونگی جرم و وسیله مورد استفاده، این جرایم را از یکدیگر متمایز می‌کند.

در بین جرایم علیه اموال، جرم کلاهبرداری جرم جدیدی است و در دوران قدیم بردن مال غیر با توسل به حيله و نیرنگ، کلاهبرداری نامیده نمی‌شد و زیرمجموعه سرقت قرار می‌گرفت (همان).

در فرهنگ معین کلاهبرداری به معنی ۱- به فریب مال و پول دیگران را گرفتن، حقه‌بازی؛ ۲- استعمال نام یا عنوان مجعول به قصد این که مؤسسات مجعول و اعتبارات موهوم را به طرف بقبولاند و او را به امور موهوم امیدوار و یا از امور موهوم خائف سازد و بدین طریق وجه یا مالی از او بگیرد. و کلاهبردار به معنی ۱- آن که به فریب مال و پول دیگران را بگیرد؛ حقه‌باز؛ ۲- کسی که کلاهبرداری کند. آمده است (معین، پیشین: ۳۰۲۴).

دکتر گلدوزیان در کتاب «حقوق جزای اختصاصی» در مورد موقعیت کلاهبرداری در فقه جزایی می‌نویسد: «در فقه موضوع تقلب تحت عناوین خدعه، حيله، در باب معامله‌ها: نکاح، جنایت‌ها و سرقت در موارد خاصی مورد توجه واقع شده است. به طور کلی تدلیس (مواد ۴۳۸ به بعد قانون مدنی) به موجب دلایل نهی غرر و نهی ضرر و اضرار امری غیر مجاز و مستلزم عقوبت اخروی و گاه مستوجب کیفر دنیوی مدلس به صورت تعزیر بوده است. آیه و احادیث زیر می‌تواند اساس جرم شناختن تحصیل مال دیگری از طریق توسل به وسایل تقلبی باشد:

۱- قرآن مجید در آیه ۲۹ از سوره نساء می‌فرماید:

«یا ایها الذین آمنوا لا تکلوا اموالکم بینکم بالباطل» یعنی «ای کسانی که به خدا ایمان آورده اید اموال دیگری را از راه باطل مخورید».

۲- احادیث نبوی «ونهی النبی عن الغرر و لا یحل مال امرء مسلم الا بطیب نفسه»، «و نهی فرموده نبی از فریب دادن و حلال نمی‌باشد مال شخصی بطور مسلم مگر به رضایت خاطرش» و همچنین «لیس منامن غش به طور مسلم او حره او ماکره»، «نیست از ما کسی که حيله کند بطور مسلمی یا ضرری به او برساند یا با او مکر نماید».

قانون گذار در ماده ۱ قانون «تشدید مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۵ آذر ماه سال ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی» و همچنین «فصل یازدهم از باب پنجم قانون مجازات اسلامی» به بیان مصادیق کلاهبرداری پرداخته است.

راه‌های پیشگیری از کلاهبرداری

کلاه‌برداران افراد باهوش، خوش کلام، خوش‌برخورد، زیرک و ... می‌باشند. به طور معمول طعمه‌ای خود را از افرادی انتخاب می‌کنند که زودباور و ساده‌لوح هستند، به سادگی طعمه خود را اغفال می‌کنند و با وعده و وعیدهای دروغین به مقصود خود که همان کلاهبرداری است می‌رسند.

پیشگیری از کلاهبرداری از طریق پلیس می‌بایستی بر بزه‌دیده متمرکز شود و امکان کنترل بزه‌کار از طریق شیوه‌ای پلیسی میسر نیست. لذا عمده تلاش‌های پلیسی بایستی بر ارتقاء آگاهی‌های عمومی در خصوص شگردهای کلاه‌برداران متمرکز شود تا افراد جامعه بزه‌دیده واقع نشوند. پلیس وظیفه دارد که رفتارهای اجتناب‌ناپذیر و کنترل خطر از بزه دیدگی کلاهبرداری را از طریق آموزش‌های همگانی به مردم منتقل کند و از وسوسه‌هایی که کلاه‌برداران در طعمه خود ایجاد می‌کند آگاه کند (گل محمدی خامنه، پیشین، ص ۱۷).

خیانت در امانت

جرم خیانت در امانت همچون بسیاری از جرایم دیگر از گذشته‌های دور در بیشتر جوامع وجود داشته و در دهه‌های اخیر با پیچیده شدن جوامع، این جرم نیز افزایش یافته است. معانی متفاوتی برای واژه خیانت بیان شده است که یکی از معانی شمرده شده برای آن پیمان شکنی، نقض عهد و بی‌وفایی است و برخی از محققان از آن به عدم رعایت امانت تعبیر کرده‌اند. در همین مورد در کتاب معجم «مقایس اللغه» چنین آمده است. «یقال خانه یخونه خوفا و ذلک نقصان الوفاء» یکی از معانی خانه، وفا نکردن و نقص در وفای به عهد است. در کتاب لسان العرب نیز آمده است که شیر را از چیزی که چشمش خیانت‌کار است تعبیر کرده‌اند، زیرا نظر می‌کند بر چیزهایی که برای او حلال نیست.

راغب اصفهانی نیز این‌طوری می‌نویسد: «خیانت و نفاق دارای یک معنا هستند، مگر اینکه خیانت نسبت به عهد و امانت استعمال می‌شود و نفاق نسبت به دین گفته می‌شود، بنابراین مخالفت با حق از طریق پیمان شکنی در خفا و سر است و نقیض خیانت امانت است. امانت همچون «امن، امان و ایمان مصدر و از ماده «ا.م.ن» است».

در کتاب الم صباح المنیر چنین آمده است: امانت برای چیزهایی بکار می‌رود که به امانت نهاده شده‌اند (فی و ما مقری، ۱۹۸۷: ۱۰).

امانت در اصطلاح عبارت است از مالی که به وسیله یکی از عقود امانی یا به حکم قانون، نزد شخصی باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵: ۷۹).

قانون‌گذار کیفری تعریفی از جرم خیانت در امانت ارائه نداده، لیکن حقوق‌دانان با توجه به مصادیق مذکور در ماده «۶۷۳ و ۶۷۴» قانون مجازات اسلامی خیانت در امانت را به عمل عمدی و بر خلاف امانت امین به ضرر صاحب مال تعریف کرده‌اند. (شام بیاتی، ۱۳۸۴: ۱۲۴)

خداوند در آیه ۵۸ سوره مبارکه «نساء» مردم را به رعایت امانت‌داری فرمان داده است:

«ان الله يامرکم ان تودوا الامانات الی اهلها» خداوند فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانشان برگردانید. همچنین در آیه دیگری از قرآن کریم آمده است:

«والذین هم اماناتهم و عهدهم راعون»، مو منان کسانی هستند که امانت‌دارند و بر عهد خود وفا می‌کنند. (موم نون آیه ۸) و خداوند در آیه ۳۷ سوره انفال نیز مؤمنین را از ارتکاب خیانت در امانت نهی فرموده است.

دکتر حسین میر محمد صادقی، در تعریف جرم خیانت در امانت می‌نویسد: «خیانت در امانت عبارت است از استعمال، تصاحب، تلف یا مفقود نمودن توأم با سوء نیت مالی که از طرف مالک یا متصرف قانونی به کسی سپرده شده و بنا بر استرداد یا به مصرف معین رسانیدن آن بوده است» (۱۳۸۵: ۱۴۷).

تفاوت جرم خیانت در امانت و کلاهبرداری

تفاوت عمده میان کلاهبرداری و خیانت در امانت از جهت حیل و تقلب است، تا آنجا که عمل واحد نمی‌تواند واجد هر دو عنوان کلاهبرداری و خیانت در امانت باشد. رأی شعبه دوم دیوان عالی کشور شماره ۹۵۱ مورخ ۱۳۱۷/۷/۱۹ مقرر می‌دارد: «عنوان کلاهبرداری و عنوان خیانت در امانت بر عمل واحد صادق نمی‌باشد، زیرا کلاهبرداری متضمن عنوان فریب است و خیانت در امانت متضمن عنوان رضاست و اگر مثلاً متهمی جنسی را به فریب و تقلب از شاکی گرفته باشد فقط کلاهبرداری بوده و اگر شاکی به رضای خود به او سپرده باشد و درعین یا قیمت آن تصرف غیرمجاز کند فقط خیانت در امانت خواهد بود».

پیشگیری از جرم خیانت در امانت

پلیس می‌تواند از طریق ارائه اطلاعات کلی در مورد شیوه‌های اجتناب از بزه دیدگی و همچنین آگاه‌سازی عمومی و تبلیغات رسانه‌ای به منظور تغییر گرایش‌ها و رفتارها در مورد جرم، به جامعه در پیشگیری از جرم کمک کند (کاپوبیانس^۱، ۱۴:۲۰۰۷). خیانت در امانت، هم از جرم‌های است که پلیس قادر به پیشگیری از آن تا حد زیادی نیست. زیرا بزه دیده در بزه دیدگی خود نقش مهمی دارد. در این زمینه پلیس باید عمده فعالیت‌های خود را به آموزش همگانی و ارتقاء سطح آگاهی‌های مردم متمرکز نماید.

بحث از نتایج تحقیق

به طور کلی در بحث پیشگیری پلیسی دو دیدگاه وجود دارد. یکی دیدگاه واکنشی که با یک ایدئولوژی امنیتی شناخته می‌شود که مبتنی بر مجازات، اقدام پس از ارتکاب عمل مجرمانه و نیز پاسخ به تماس‌های درخواست خدمات پلیسی و مدیریت بحران است، آن هم بدون حمله به منابع تنش و جرایم تکراری. این دیدگاه، عملیات پلیسی را محدود به دسته‌های خاصی از جرایم می‌کند. مانند جرایمی که بیشتر توسط شهروندان گزارش می‌شود و پلیس را وادار به عکس‌العمل می‌کند.

دیگری رویکردهای پیش‌کنشی است، که ترکیبی از روش‌های مناسب برای اقدام قبل از وقوع جرم و برنامه‌های هدف‌گیری شده برای حمله به شرایط منجر به جرم و بزه‌کاری است. این رویکرد بیشتر متمرکز بر پیشگیری است.

در پیشگیری از جرایم علیه اموال، پلیس بایستی سیاستی دوگانه در پیش بگیرد. به این معنی که در برخورد با برخی از جرایم علیه اموال مثل سرقت، سیاست پیشگیری وضعی و اجتماعی به صورت تو امان باید اعمال نماید.

¹- Capobianco

در جهت کاهش نرخ جرم و پیشگیری از این جرایم، پلیس علاوه بر شناسایی و فعال نمودن ماموران و واحدهای گشتی خود در محلات و کانون‌های جرم خیز، به ارائه آموزش همگانی، ارتقاء سطح آگاهی‌های مردم و آشنا کردن آنان با شیوه، شگردهای بزه‌کاران و هشدارهای پلیسی اقدام می‌نماید.

در برخورد با جرایم دیگر مثل کلاه‌برداری و خیانت در امانت، نظر به اینکه در این جرایم، بزه دیده یا به اصطلاح مالباخته در بزه دیدگی خود نقش اساسی دارد، لذا پلیس تا حد زیادی قادر به پیشگیری از آنها از طریق اعمال و فعالیت‌های پلیسی محض (استفاده از واحدهای گشتی) در محل وقوع جرم نمی‌باشد. در این راستا به ناچار بایستی سیاست پیشگیری اجتماعی را در پرتو آموزش همگانی و ارتقاء سطح آگاهی‌های بزه دیدگان در پیش بگیرد.

منابع

فارسی

- انصاری، ولی الله. (۱۳۸۰) حقوق تحقیقات جنایی (مطالعات تطبیقی)، سمت تهران.
- بارانی، محمد. (۱۳۸۵) مستندات تخصصی کلاتری‌ها، تهران، مرکز فن‌آوری آموزش ناجا.
- پیکا؛ ژرژ. (۱۳۷۶) پیشگیری از جرم‌های شهرنشینی. ترجمه: عزیز طوسی، شماره دوم: ماهنامه دادرسی سازمان قضایی نیروهای مسلح.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۸۵) ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، چاپ ۱۶، ص ۷۹، واژه شماره ۶۱۴.
- دانش، تاج زمان. (۱۳۶۴) مجرم کیست جرم شناسی چیست؟ تهران، موسسه کیهان، چاپ اول.

دنيس پ، روزن بام. (۱۳۸۱) پيشگيري از جرم. ترجمه: مصطفي شوشتری، چاپ اول، مرکز فناوری آموزش ناجا.

زو کيک - اوگليزا. (۱۳۷۷)، نگرش بزه دیدگان به پلیس. ترجمه: علی اوسط جا وی دزاده، نشریه امنیت، سال دوم، شماره پنجم و ششم.

شاکری - سيد رضا. (۱۳۸۱). پلیس، مردم، سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی، معاونت سیاسی، تهران.

شام بیاتی، هوشنگ. (۱۳۸۴) حقوق کیفری اختصاصی، تهران، مجد، چاپ هفتم، ج ۲، ۱۲۴، عمید، حسن. (۱۳۸۱) فرهنگ فارسی عمید، جلد اول، تهران، امیر کبیر، چاپ بیست و چهارم.

کردی، حسین. (۱۳۸۸)، «نقش پلیس ۱۱۰ در کشف و پیشگیری از وقوع جرایم»، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک.

گسن، ریمون. (۱۳۷۰) جرم شناسی کاربردی. ترجمه: مرحوم کی‌نیا، مهدی، مجد.

گلدوزیان، ایرج. (۱۳۷۳)، حقوق جزای اختصاصی، تهران، جهاد دانشگاهی، ۲۹۳.

گل محمدی خامنه، علی. (۱۳۸۲) مبانی امور انتظامی (۲)، معاونت آموزش ناجا، چاپ دوم (۱۳۸۳). پیشگیری از جرایم، تهران، دانشگاه علوم انتظامی، چاپ اول.

معین، محمد (۱۳۶۳)، فرهنگ فارسی، جلد اول، چاپ ششم، تهران، سپهر، ص ۱۸۶۹.

میر محمد صادقی، حسین. (۱۳۸۳) جرایم علیه اموال و مالکیت، نشر میزان، چاپ: چهاردهم.

نجفی ابراندادی، علی حسین. (۱۳۷۹) پیشگیری از بزه‌کاری و پلیس علمی: مجله امنیت وزارت کشور شماره ۱۹، ۲۰.

معاونت آموزش قوه قضائیه. (۱۳۸۴) جرایم علیه اشخاص و اموال: قم، قضا.

قرآن کریم.

اداره حقوقی فرماندهی انتظامی استان سمنان، کتابچه پلیس و امنیت اجتماعی، نسیم،

عربی

ابن منظور، لسان العرب، نشر ادب الحوزه، قم، ۱۳۶۳.

حسین بن محمد (راغب اصفهانی)، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق محمد سید گیلانی، بیروت، دارالمعرفه، ص ۲۵.

زکریا، ابی الحسین احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغه، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴، ه.ق.

فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القا موس المحيط، چاپ دوم، موسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۷، ه.ق.

معلوف، لوییس، الم نجد فی اللغه و الاعلام، چاپ اول، اسماعیلیان، تهران، ۱۳۶۴، ص ۳۳۱
فی ومی مقری، الم صباح المنیر، بیروت، مکتبه اللبنا، ۱۹۸۷ م، ص ۱۰.

قوانین

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.

انگلیسی

Brodeur, Jean-Paul, (2007); Trust and Expertise in Policing; paper Prepared for delivery in the ICPC's Seventh Annual Crime Prevention Colloquium. Oslo, Norway, November 8-9, 2007;
www.crime-prevention-intl.org Obtained from:

Capobianco, Laura (2007), Public- Private-Community Action towards Safety: A Focus on Housing in Disadvantaged Neighborhoods, International Center for the Prevention of Crime, www.crime-prevention-intl.org Obtained from

Department of Justice of South Australia, Fact Sheet C (2007). Problem Solving Approach in Crime Prevention. Department of Justice, South Australia, Crime Prevention Unit. obtained from: www.cpu.sa.gov.au

Department of Justice of South Australia, Fact Sheet D (2007). Market Reduction Approach in Crime Prevention. Department of Justice, South Australia, Crime Prevention Unit. www.cpu.sa.gov.au obtained from: